

تحلیل جامعه‌شناختی شهر آشوب‌ها به عنوان تاریخ محلی منظوم در عصر تیموری

محسن پرویش*

دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(ره)، قزوین، ایران

ذکرالله محمدی**

دانشیار تاریخ دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۲۶)

چکیده

تاریخ‌نگاری محلی به عنوان یکی از اشکال تاریخ‌نگاری در ایران، به‌ویژه در دوره تیموری، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. در این میان، یکی از انواع تاریخ‌نگاری محلی، تاریخ‌نگاری منظوم است و گونه‌ای از تاریخ‌های منظوم که در عهد تیموری گسترش یافت، شهر آشوب‌ها هستند. در واقع، شهر آشوب‌ها اطلاعات فراوانی در باب تاریخ اجتماعی و فرهنگی و نیز خصوصیات شهرها، اصناف و... در قالب تاریخ محلی منظوم ارائه می‌نمایند. همچنین، تاریخ‌نگاری منظوم از نظر بازسازی برخی از حوادث تاریخی این زمان و هم از لحاظ نشان دادن شواهدی از احیای روح ایرانی و زبان فارسی، اطلاعات زیادی به دست می‌دهد. بنابراین، هدف اصلی مقاله حاضر این است تا تحلیلی جامعه‌شناختی از شهر آشوب‌ها به عنوان تاریخ منظوم محلی در عصر تیموری به دست دهد و اوضاع اجتماعی و فرهنگی این عصر را بررسی نماید.

واژگان کلیدی: تاریخ‌نگاری محلی، شهر آشوب‌ها، جامعه‌شناسی شهری، عصر تیموری.

* E-mail: mohsen.parvish@ikiu.ac.ir

** E-mail: ze.mohammadi@alzahra.ac.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

زبان فارسی همانند سایر زبان‌های زنده دنیا، یکی از زبان‌های مهم برای ارائه مفاهیم و مضامین گوناگون و پیچیده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. شکل منظوم این زبان نیز بر اساس همان استعداد و قابلیت توانسته است بسیاری از موضوعات جامعه ایرانی را در طول تاریخ، در زمان خود و به اشکال و انواع مختلف ارائه نماید. یکی از وجوه ممیزه در منابع تاریخ‌نگاری محلی دوره تیموری، تبدیل زبان فارسی به عنوان زبان اصلی متون تاریخ‌نگاری است. بی‌تردید زبان فارسی و ادبیات این دوره در بر دارنده مجموعه ذهنی از ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، اعتقادات و احساسات مورخ و جامعه او نسبت به رخدادهای بیرونی و عینی است (ر.ک؛ احمدزاده، ۱۳۹۳: ۲۶). از مشخصات بسیار مهمی که در تاریخ‌نگاری این دوره وجود دارد و باعث تمایز این دوره با دوره‌های قبل از خود شده است، تاریخ‌نگاری منظوم می‌باشد. از اواخر قرن ششم، به‌ویژه از عهد مغول به بعد، به دنبال رشد تاریخ‌نگاری، نهضتی در عرصه شاهنامه‌نویسی تاریخی نیز پدید آمد و آن، تاریخ‌نگاری منظوم بود که در دوره ایلخانی، یکی از گفتمان‌های مسلط جامعه بود. نهضت تاریخ‌نگاری منظوم در عهد تیموری هم به حیات خود ادامه داد، به گونه‌ای که تأثیر مستقیم شاهنامه در انتخاب وزن و سبک منظومه‌های تاریخی عصر تیموری هم انکارناشدنی است. اما در میان همه تاریخ‌های منظوم عصر تیموری، شهر آشوب‌ها رونق خاصی یافتند؛ چراکه تاریخ‌های محلی منظوم، از هر گونه محدودیت‌ها و موانعی که تاریخ‌های دیگر، از جمله تاریخ‌های رسمی دارند، دور بودند و آزادانه به اوضاع و وضعیت اجتماعی و فرهنگی یک شهر یا منطقه و یا حتی مشاغل گوناگون می‌پردازند.

۱. بیان مسئله و پیشینه پژوهش

یکی از مباحث مورد توجه محققان میان‌رشته‌ای، بررسی و تحلیل متون تاریخی و ادبی کهن فارسی بر اساس نظریات جامعه‌شناسی تاریخی می‌باشد. جامعه‌شناسی علمی است که مناسبات و روابط انسان‌ها را بررسی می‌نماید. بنابراین، انسان‌ها به هم نیاز دارند و مجبورند سازمان تشکیل دهند؛ زیرا نظریات جامعه‌شناسی می‌تواند برای کمک در درک جهان واقعی بسیار سودمند باشند (ر.ک؛ ریتزر، ۱۳۸۶: ۳۳۰). بی‌شک یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه‌شناسان از قرن نوزدهم به بعد، پیدا کردن قوانین حاکم بر مناسبات بشری

است. آن‌ها معتقدند به جای یک نظریه شکل یافته مقدم بر تجربه، مطالعه رفتار انسانی و یا زندگی گروهی انسان‌ها، باید همراه و همپا با تدوین نظریه پیش رفت (ر.ک؛ توسلی، ۱۳۸۸: ۳۳۰). در این سازمان طبقات اجتماعی، قشر بندی اجتماعی و نهادهای اجتماعی را می‌توان مشاهده نمود. بررسی نهادهای اجتماعی در بستر تاریخ را جامعه‌شناسی تاریخی می‌نامند. در این زمینه، تاریخ اجتماعی با استفاده از علم جامعه‌شناسی، می‌تواند زمینه‌های تغییر و تحول جامعه را در عرصه‌های مختلف بررسی نماید.

با این رویکرد، شهر آشوب‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار تاریخی و ادبی، می‌توانند اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر خود را به خوبی ترسیم نمایند و اطلاعات مفیدی در جامعه‌شناسی شهری و تاریخی یک شهر یا منطقه ارائه کنند. چنان‌که اشاره شد، شهر آشوب‌ها به عنوان تاریخ محلی منظوم در دوره تیموری رشد یافتند. شهر آشوب‌ها با وجود اهمیت فروانی که در تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران، به ویژه قرون میانه دارند، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌است که این مقاله درصدد پر کردن خلاء این نقیصه برآمده‌است.

از این رو، پرسش‌های پژوهش عبارتند از:

۱. ارزش و کارکرد شهر آشوب‌ها به عنوان تاریخ‌نگاری محلی منظوم چه بوده‌است؟

۲. مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصوصیات شهر آشوب‌ها کدامند؟

فرضیات پژوهش نیز عبارتند از:

۱. فرضیه اول مقاله بر این امر استوار است که شهر آشوب‌ها به عنوان نوعی از شعر فارسی، گنجینه‌ای ناشناخته از تاریخ اجتماعی هستند که در آن‌ها، علاوه بر توصیف مشاغل و طبقات اجتماعی، به جامعه‌شناسی شهری و یا حتی روان‌شناسی اجتماعی مردم یک شهر نیز توجه می‌شود.

۲. فرضیه دوم این است که شهر آشوب‌ها به عنوان یکی از منابع مهم تاریخ‌نویسی، بسیاری از محدودیت‌های تاریخ‌های رسمی را ندارند. به همین دلیل، اطلاعات مهم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به دست می‌دهند. علاوه بر این، شهر آشوب‌ها سیر تحول مشاغل و طبقات اجتماعی را نیز نشان می‌دهند.

در باب پیشینه پژوهش درباره شهر آشوب‌ها می‌توان به اثری همچون کتاب *شهر آشوب در شعر فارسی* نوشته احمد گلچین معانی اشاره کرد که مؤلف چندین شاعر و نویسنده شهر آشوب سرا را نام برده است. ذبیح‌الله صفا در کتاب *تاریخ ادبیات ایران*، توضیحی مختصر در باب شهر آشوب داده است. ایرج افشار (۱۳۸۱) مقاله‌ای با عنوان «فهرست اصناف و طبقات در شهر آشوب سیفی سمرقندی» در مجله *فرهنگ ایران زمین* به چاپ رسانده است که در آن فقط اصطلاحات شغلی را بیان می‌کند. علی نصرتی سیاهمزیگی مقاله‌ای با عنوان «شهر آشوب» در مجله *نامه بهارستان* به سال ۱۳۸۶ منتشر نموده است. با این توصیف‌ها، مشاهده می‌شود که مقاله مستقلی با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی شهر آشوب‌ها به عنوان تاریخ محلی منظوم در عصر تیموری به رشته نگارش درنیامده است و فقط آقای مهدی احمدی اختیار به صورت بسیار کوتاه از شهر آشوب‌ها به عنوان تاریخ محلی منظوم در سایت تاریخ محلی دانشگاه اصفهان یاد می‌کند که فاقد هر گونه تحلیل و نقدی است. بنابراین، ضرورت انجام چنین پژوهشی احساس می‌شود.

۲. شهر آشوب‌ها و انواع آن

شهر آشوب شعری است که در آن، طبقات مختلف شهر، مثل صنعتگران، پیشه‌وران و کارگران را توصیف می‌کند و این مشاغل را طبقه‌بندی می‌نماید که از نخستین نمونه‌های شهر آشوب می‌توان به آثار مسعود سعد سلمان، مهستی گنجوی، سیفی بخارایی و لسانی شیرازی اشاره کرد. دهخدا در لغت‌نامه ذیل تعریف شهر آشوب می‌نویسد:

«به هر نوع شعری که در توصیف پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرف و صنعت ایشان سروده شده باشد، حتی اگر عنوان دیگری داشته باشد، همچون شهرانگیز سیفی بخاری موسوم به صنایع البدایع و شهر آشوب لسانی شیرازی که عنوان مجمع‌الأصناف دارد» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل «شهر آشوب»).

رستگار فسایی نویسنده کتاب *انواع شعر فارسی*، شهر آشوب را از انواع شعر غنایی می‌داند (ر.ک؛ رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۱۵۰). همچنین، شهر آشوب به هر نوع شعری که در توصیف پیشه‌وران یک شهر و تعریف حرفه و صنعت ایشان سروده شده باشد، اطلاق می‌شود، هر چند عنوان دیگری داشته باشد؛ همانند شهرانگیز سیفی بخاری که موسوم به صنایع البدایع است (ر.ک؛ گلچین معانی، ۱۳۸۰: ۲).

محبوب درباره سابقه تاریخی شهر آشوب‌ها از دو کتاب *یتیمه‌الله* ثعالبی و *تتمه‌الیتیمه* یاد می‌کند که در آن به ستایش یا هجو یک شهر یا بلد پرداخته شده است (ر.ک؛ محبوب، ۱۳۸۲: ۱۱۶۵).

کهن‌ترین شهر آشوب موجود در شعر فارسی، شهر آشوب مسعود سعد سلمان است؛ گرچه عده‌ای مهستی گنجوی شاعر دوره سلجوقیان را پایه‌گذار شهر آشوب در قالب رباعی می‌دانند که این رباعی‌ها در کتاب *مونس الأحرار* محمدبن بدر الجاجرمی آورده شده است (ر.ک؛ جاجرمی، ۱۳۵۰: ۱۱۵۱).

بی‌تردید یکی از مشخصه‌های شهر آشوب‌ها، رهاندن شهر آشوب از توصیف خشک و بی‌روح از دلایل روی آوردن شهر آشوب‌سرایان به آن است که ضمناً احوال اجتماعی را منعکس می‌سازند (ر.ک؛ نصرتی سیاهمزگی، ۱۳۸۶: ۳۲). با این تعریف‌ها، شهر آشوب‌ها را می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد: ۱- شهری: در نکوهش یا ستایش مردم یک شهر. ۲- درباری: در وصف پادشاهان، خلوتیان و دیگر درباریان. ۳- صنفی: در وصف عاشقانه بازاریان، صنعتگران و مشاغل اجتماعی. شایسته ذکر است که این شهر آشوب‌ها جنبه آموزشی هم داشتند؛ چرا که کودکان با خواندن آن‌ها، حرفه‌ها و مشاغل را یاد می‌گرفتند. همچنین، با بررسی آن‌ها می‌توان تحول مشاغل را در دوره‌های مختلف بررسی کرد. از مهم‌ترین شهر آشوب‌های صنفی می‌توان به شهر آشوب‌های مسعود سعد سلمان و مهستی گنجوی اشاره کرد. مسعود سعد سلمان در شهر آشوب‌های صنفی خود به توصیف صاحبان شغل‌های فراوان می‌پردازد (ر.ک؛ سعد سلمان، ۱۳۶۴: ۹۱۶).

۳. مروری کوتاه بر شهر آشوب‌های عصر تیموری

شهر آشوب‌ها در عصر تیموری به ذکر طبقات و پیشه‌ها می‌پرداختند و برخی از آنان برای هر پیشه یک غزل می‌سرودند. گاهی هم چندین غزل با نام شخصی خاص از سوی شهر آشوب‌سرایان سروده می‌شد؛ به عنوان مثال، سیفی بخاری چندین غزل با نام‌های غزل عبدالله، غزل شاه‌حسین، غزل بابادوست و غزل پسر صدر آورده است. مهم‌ترین شهر آشوب‌هایی که در این عصر به آن دست یافتیم، موارد زیر است:

۱-۳. کاظمی هروی

نخستین شهر آشوبی که در عصر تیموری باید به آن اشاره کرد، شهر آشوب کاظمی هروی، از شعرای قرن نهم و از ملازمان سلطان حسین بایقرا است. کاظمی از جانب سلطان حسین، نزد خواجه عمادالدین محمود گاوآن معروف به خواجه جهان، به گلبرگه هندوستان اعزام شد و در برگشت از این سفر به شیراز رفت و در آنجا قصیده شهر آشوبی را در مذمت اعیان و اشراف دارالسلطنه هرات سرود که مطلع آن چنین است:

«شکر خدا که قاضی شهر هری نیم در سلک آدمی صفتانم، خری نیم»
(نوایی، ۱۳۶۳: ۲۱۱).

۲-۳. سیفی بخارایی

یکی دیگر از شهر آشوب سرایان بنام دوره تیموری، سیفی بخارایی است. وی نخستین شاعری است که در قالب غزل این شهر آشوب را سروده است، به گونه‌ای که این اسلوب مورد تقلید شاعران بعد از او قرار گرفت. سیفی بخاری، شاعر ایرانی، در جوانی از بخارا به هرات رفت و در آنجا آموزش دید و پرآوازه شد. چندی به خدمت امیر علیشیر نوایی درآمد. سپس در سال ۸۹۲ هجری قمری روی به بخارا نهاد و در آنجا مربی بایسنقر میرزا شد. سیفی بخاری در همه علوم و رسوم، به ویژه در فن عروض و قافیه قدرت، مهارت و تبحر داشت و عروض سیفی یکی از تصانیف معروف وی است (ر.ک؛ احمد، ۱۳۸۳: ۱۳). همچنین، سیفی در سرودن معما و شهر آشوب آوازه داشت.

نخستین تذکره نویسی که درباره شهر آشوب او سخن رانده، امیر علیشیر نوایی است. نوایی، سیفی بخارایی را مخترع شهر آشوب می‌نامد و درباره وی می‌نویسد: «مولانا از جهت عامه جوانان شهر شعرهای خوب گفته و در این طرز و طور، لطایف نیکو به نظم در آورده و در این طریقه مخترع بوده و از جمله این مطلع است که جهت پردازگری گفته:

تا به نقد جان مه خباز من نان می‌دهد

عاشق بیچاره نان می‌گوید و جان می‌دهد»

(سیفی بخاری، بی تا، الف: ۳۰).

مهم‌ترین آثار سیفی بخارایی عبارتند از:

۱. دستور معما که کتابی منسوب به سیفی است و در یک مقدمه، چند قاعده و یک خاتمه نوشته شده‌است و مقدمه آن در بیان حقیقت معما و تقسیمات آن است.
۲. عروض سیفی یا میزان/الأشعار که از معروف‌ترین رساله‌های سیفی است.
۳. صنایع‌البدایع یا همان شهر آشوب سیفی در هزار و سیصد و بیست بیت است و به هنرها و پیشه‌های گوناگون، مانند درودگری، زرگری، عطاری، شطرنج‌بازی، جامه‌بافی و جز آن‌ها می‌پردازد (ر.ک؛ گلچین معانی، ۱۳۸۰: ۳).

سیفی بخارایی دربارهٔ تألیف شهر آشوب خود می‌نویسد:

«این نسخه که طالبند خاص و عامش
فرخنده چو آغاز بُود انجامش
لفظش همه صنعت است و معنایش بدیع
زان گشت صنایع‌البدایع نامش»
(سیفی بخاری، بی تا، الف: ۶۶).

۳-۳. خواندمیر

از دیگر شهر آشوب‌های بسیار معروف در عصر تیموری، شهر آشوب خواندمیر است. خواندمیر از ادبا و مورخان نامدار قرن نهم و دهم هجری، مؤلف کتاب حیب‌السیر، دستورالوزراء و چند کتاب دیگر می‌باشد (ر.ک؛ خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵). شهر آشوب خواندمیر کتاب نامه نامی بود که در زمینهٔ روش‌ها و آداب انشا و نامه‌نگاری عصر خود اطلاعاتی به دست می‌دهد. این کتاب یک مقدمه و چند عنوان دارد (ر.ک؛ فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۳۶۹). خواندمیر در کتاب نامه نامی، یکصد و شصت رباعی دربارهٔ مشاغل گوناگون دارد. نامه نامی مشتمل است بر یک عنوان و نه سطر که هر یک سطر مرکب از چند لفظ می‌باشد (ر.ک؛ گلچین معانی، ۱۳۸۰: ۹۲)؛ به عنوان مثال، در توصیف خباز می‌نویسد:

«ای آمده منبر دکانت گردون
شد پردهٔ منبرت شب غالیه گون
از شرم ته نان تو نایب دیگر
قرص قمر از تنور افلاک برون»
(گلچین معانی، ۱۳۸۰: ۳۲).

۴-۴. مولانا جلال‌الدین محمد آگهی خراسانی

مولانا محمد آگهی خراسانی از نوادگان جلال‌الدین محمد قائنی است که در هرات متولد شد. او از محضر سلطان حسین بایقرا استفاده نمود. آگهی هم در مقابل، تعلیم فرزند بایقرا، یعنی شاه غریب میرزا را بر عهده گرفت. در این بین، آگهی خراسانی به قصد رسیدن به مقام صدارت، درصدد برآمد تا با جعل مُهر، شهاب‌الدین اسحاق را از جلوی راه خود بردارد، اما این توطئه او کشف شد و او از دربار سلطان حسین بایقرا طرد شد (ر.ک؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۳۶۰). تا اینکه سرانجام به هرات بازگشت و شهر آشوبی در بدگویی بزرگان هرات سرود (ر.ک؛ سام میرزا، ۱۳۸۴: ۱۱۸). اما این شهر آشوب خشم والی خراسان، امیرخان روملو را برانگیخت، به گونه‌ای که دستور داد تا دست و زبان آگهی را بربندند، ولی این امر باعث نشد تا وی از سرودن شعر دست بردارد (ر.ک؛ واصفی، ۱۳۴۹: ۳۷۴). متأسفانه شهر آشوب مولانا آگهی از بین رفته‌است و نمونه‌ای از آن در دسترس نمی‌باشد.

۴-۵. تارک شیرازی

تارک شیرازی یکی از شاعران گمنامی است که نامش در تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخی ذکر نشده، بلکه تنها منبع در باب زندگی او، دیوان اوست. تارک شیرازی شهر آشوبی دارد که در آن به پیشه‌ها و حرفه‌ها اشاره کرده‌است. یکی از ویژگی‌های بسیار مهم در شهر آشوب تارک شیرازی این است که در هر غزل، اصطلاحات و اشیاء و نیز ابزار مربوط به آن شغل را نیز بیان می‌کند؛ به عنوان نمونه، در شهر آشوب قاری از سوره یوسف، مأموم، ورد یونسی، امام، محراب آمین و دعا، و در شهر آشوب فقاعی از شربت، برف، ایاغ و کفچه نام می‌برد (ر.ک؛ فاضلی و جهاد، ۱۳۸۸: ۱۲۲). تارک شیرازی در شهر آشوب خود گیوه‌دوز و نحوه کار او را چنین بسیار زیبا توصیف می‌کند:

«خرابی ز سودای آن گیوه‌دوز خوش اندام دوزد کف و پشم و پوز
کشد در دهان، رشته در تافتن ز رشک افتدم رشته جان به سوز»
(تارک شیرازی، ۱۳۹۴: ۶۲).

۶-۳. لسانی شیرازی

وجیه‌الدین عبدالله لسانی شیرازی از شاعران نیمه نخستین سده دهم هجری و آغاز دوران صفوی است. شهر آشوب لسانی شیرازی شامل ۵۴۰ رباعی درباره شهر تبریز، پیشه‌وران آن شهر و وصف عشق خود می‌باشد. لسانی در نخستین رباعی شهر آشوب، علت نامگذاری آن را چنین می‌گوید:

«آن بکر که چار گوهر صاف در اوست بکری است که حُسن قاف تا قاف در اوست
در زیور اسم، مجمع‌الأصناف است زان روی که جمعیت اصناف در اوست»
(لسانی شیرازی، بی تا: ۱).

۴. جامعه‌شناسی شهر آشوب‌ها در عصر تیموری

جامعه‌شناسی شهری با برخی از حوزه‌های جامعه‌شناسی اشتراکاتی دارد و به مباحثی همچون قشر بندی اجتماعی، گروه‌های کوچک، توسعه اقتصادی، جامعه‌شناسی سیاسی و... می‌پردازد. از این رو، جامعه‌شناسی شهری در مباحث خود با علوم دیگری همچون انسان‌شناسی، اقتصاد، تاریخ، جغرافیا و... تداخل می‌یابد (ر.ک؛ شارع‌پور، ۱۳۸۹: ۳). اما جامعه‌شناسی تاریخی مطالعه گذشته برای پی بردن به شیوه انجام فعالیت‌ها و چگونگی تغییرات در جوامع می‌باشد.

از نظر جامعه‌شناسی شهری و تاریخی، شهر آشوب‌ها اهمیت فراوانی دارند؛ زیرا در آن‌ها مشاغل، حرفه‌ها و کیفیت آن‌ها را بیان می‌کنند. در واقع، شهر آشوب‌ها نوعی توصیف از محیط اجتماعی اشخاص هستند. از آنجا که گردش زمان و تحولات اجتماعی چهره شهرها را دگرگون کرده‌است و ضرورت‌های زندگی اجتماعی باعث پیدایش برخی حرفه‌ها و طبقات اجتماعی یا از بین رفتن برخی دیگر از شغل‌ها می‌شود، از این لحاظ شهر آشوب‌ها گنجینه‌ای از تاریخ اجتماعی هستند که علاوه بر ذکر حرفه‌ها و صنعت‌ها و طبقات اجتماعی، ویژگی‌ها یا روان‌شناسی اجتماعی مردم یک شهر را هم بیان می‌کنند (ر.ک؛ مهدوی، ۱۳۹۵: ۴). از این رو، مهم‌ترین کاربرد شهر آشوب‌ها در تاریخ‌نگاری عبارتند از: ۱- بررسی آداب، رسوم و باورهای مذهبی. ۲- آشنایی با اوضاع اجتماعی. ۳- شناخت مشاغل و طبقات اجتماعی. ۴- دستیابی به اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی و دیوانی که هر یک را به صورت مفصل‌تر بیان خواهیم کرد.

۴-۱. بررسی آداب، رسوم و سنت‌های اجتماعی و باورهای مذهبی در شهر آشوب‌ها

از نکات بارز و شایسته توجه در شهر آشوب‌ها، اشاره به برخی از رسوم اجتماعی ایرانیان، از جمله جشن‌های عید نوروز و چهارشنبه‌سوری می‌باشد؛ به تعبیر دیگر، شهر آشوب‌سرایان از آیین و رسوم ایرانیان، نظیر عید نوروز و... به عنوان بخشی از میراث فرهنگی نام می‌برند. خواندمیر در نامه نامی درباره عید نوروز می‌نویسد:

«یارب که مرا دولت نو روزی باد پیوسته پسر افسر فیروزی باد»
(خواندمیر، بی تا، ب: ۹۱).

از دیگر جشن‌هایی که در شهر آشوب به آن پرداخته شده، جشن چهارشنبه‌سوری است. چهارشنبه‌سوری یکی از جشن‌های معروف ایرانی است که هر سال شمسی در شب آخرین چهارشنبه ماه اسفند می‌گیرند و مطابق رسوم قدیم، در این جشن آتش می‌افروزند و از روی آن می‌پرند. از سوی دیگر، خواندمیر بهترین روز برای دوری از افراد ریاکار و اهل تکبر را چهارشنبه‌سوری می‌داند (ر.ک؛ همان: ۹۱).

از شاعران دیگری که به بازی‌ها و سرگرمی‌های عصر تیموری پرداخته، سیفی بخاری است که به رسم چوگان‌بازی به عنوان یکی از بازی‌ها و سرگرمی‌ها در این عصر اشاره دارد:

«شاه من گر بُودت میل به چوگان‌بازی گوی و چوگان تو سازم سر خود بی‌بازی
پیش اسب تو دوانست سرم همچون گوی اسب خود سوی دگر گوی چرا می‌تازی»
(سیفی بخاری، بی تا، ب: ۷).

همچنین، وی به دیگر تفریحات و سرگرمی‌های مردمان این دوره، مانند قماربازی، شطرنج‌بازی، نرادی، کبوتربازی و... اشاره دارد که به نظر می‌رسد گاهی هم با شرط‌بندی همراه بوده است:

«تا شرط نرد بوسه شد آن گلغدار را می‌خواهم از خدا شش و پنج و چهار را
تا بُرد نقد جان، نشد آن مه بهمن دوچار یا رب چه طالع است من بدقمار را»
(همان: ۵).

شایسته توجه است که از میان این بازی‌هایی که به آن اشاره شد، شطرنج رایج‌تر و متنوع‌تر از بقیه بود و مردم و بزرگان از بین ورزش‌ها، شکار و صید را در این عصر بیشتر ترجیح می‌دادند (ر.ک؛ بوآ، ۱۳۴۳: ۱۱۶). البته برخی از این سرگرمی‌ها شغل هم محسوب می‌شد؛ مانند چوگان‌بازی و کشتی‌گیری، که به گونه‌ای می‌توانست منبع درآمد هم محسوب شود. سیفی بخاری در وصف کشتی گرفتن می‌گوید:

«کُشْتِیم ای سرو قد از پیش من مگریز تیز
چند گیری با من افتاده کُشتی در گریز
رستمان خیزند خاک آلوده از میدان تو
گه قیامت می کنی ای شوخ و گاهی رستخیز
بر کند از جای نعل ماه و دولاب فلک
ماه کشتی گیر من بر چرخ اگر آرد ستیز»
(سیفی بخاری، بی‌تا، ب: ۳۱).

با نگاهی به زندگی برخی قصه‌خوانان سده‌های نهم و دهم هجری برمی‌آید که بعضی از آنان ضمن قصه‌خوانی، اهداف و مقاصد مذهبی و عقیدتی خود را نیز تبلیغ می‌کردند. اما به نظر می‌رسد که قصه‌سرایان در عصر تیموری بیشتر به جنبه ادبی و افسانه‌ای شغل خود توجه داشتند و صاحب صنف شغلی بودند (ر.ک؛ مایل هروی، ۱۳۷۲: ۶۷). در شهر آشوب سیفی، علاوه بر مشاغل و اصنافی که به آن اشاره خواهیم کرد، نمایندگان دیگر صنف‌های اجتماعی، همانند میرآخور، روحانیون (صوفی، وقفی، سید، شیخ‌زاده و...) نیز توصیف شده‌اند.

در دوره تیموریان، تصوف گسترش یافت و شیوخ و علما صاحب احترام بسیاری شدند. آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد، اینکه طریقت‌های تصوف مثل نقشبندیه، همچون بسیاری از پیشه‌وران این دوره به شمار می‌روند، به گونه‌ای که سیفی بخاری در شهر آشوب خود به آن اشاره دارد. فهرست مشاغلی که وی بیان می‌کند، خود گواه این مطلب است. همچنین، از تعدادی از مشاغل می‌توان نام برد که بیانگر رواج این طریقت در میان طبقات شهری عصر تیموری است. شغل‌هایی همچون حلاج، کوزه‌گر، نقشبند، سراج، زرگر، سوزن‌گر و... و نیز بعضی از مشاغلی که به صنعت نساجی مربوط می‌شد، از سوی نقشبندیان اداره می‌شد. تعدد نسبت‌های شغلی و اصطلاحات مربوط به این صنعت، مانند

نقشبندی یا تصویرگری روی پارچه، بافت پارچه کرباس، دوخت کلاه نوروزی که امرا و حکام بر تن می کردند، بافت نوعی پارچه پشمی ظریف و مرغوب در منابع این طریقت نشان دهنده این موضوع می باشد (ر.ک؛ اللهیاری، ۱۳۸۸: ۱۶).

از دیگر مواردی که در شهر آشوب ها بدان پرداخته شده است و مورد توجه شاعران واقع شده، توجه به مذهب، باورها و شغل های مذهبی است و یکی از شغل هایی که در شهر آشوب ها به آن پرداخته شده است و رابطه مستقیمی با باورهای مذهبی داشت، شغل مؤذنی است. مؤذنان جایگاه بالایی اجتماعی داشتند. در بعضی موارد، اجرت مؤذنان مانند سایر کارکنان مسجد از محل اوقاف تأمین می شد (ر.ک؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۸۸):

«دلدار مؤذن مه دشوار پسند کز نغمه کشد گردن دل ها بکمند
دلدار مؤذن که کند غارت هوش آرد ز نفس خون دل مرده به جوش»
(لسانی شیرازی، بی تا: ۲۸).

همچنین، شهر آشوب ها ممکن است رخدادهای تاریخی مذهبی را نقل نمایند که با استفاده از آن می توان تا حدودی مذهب شاعر را هم فهمید؛ چنان که تارک شیرازی در شهر آشوب خود به جانشینی حضرت علی^(ع) اشاره می کند (ر.ک؛ شیرازی، ۱۳۹۴: ۹۱).

۲-۴. آشنایی با اوضاع اجتماعی و فرهنگی

با مطالعه شهر آشوب ها می توان تصویری از اوضاع اجتماعی آن عصر را نیز ترسیم کرد. یکی از منصب هایی که رابطه مستقیمی با اوضاع اجتماعی دوره تیموری داشت، منصب قضاوت بود؛ زیرا برخی از قضات به مفاسدی همچون رشوه گرفتن، تصرف در اموال یتیمان متهم می شدند (ر.ک؛ میدی، ۱۳۷۶: ۱۴۰). به همین دلیل، برخی از شاعران دوره تیموری اقدام قاضیان را نکوهش می کردند؛ به عنوان مثال، خواجه منصور قراپوقه شعری در مذمت قاضی شهر طوس سرود:

«قاضیا بر سر یتیمانی خوشان می خوری، مگر شپشی!
گفته ای آفتاب شرع منم آفتابی، ولی یتیم گشی!»
(سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۵۵).

سیفی بخاری در صنایع البدایع به اوضاع اجتماعی و امنیت قضایی اواخر عصر تیموری می پردازد و از آشفتگی این عصر گلایه می کند:

«نیست دلدار عسس را رحم بر من یک نفس
هیچ مسکین را نیفتد کار یا رب با عسس
بند و زنجیرش همه بر دست و پای خود زخم
تا به غیر از من گرفتارش نباشد هیچ کس»
(سیفی بخاری، بی تا، ب: ۳)

همچنین، سیفی با تلمیحی به قصه حضرت یوسف که به دست برادرانش به چاه افتاد، در صدد است تا اوضاع اجتماعی این عصر را نا امن جلوه دهد:

«کز مقید بود آن شوخ به زندان چه عجب قصه یوسف مصرست و گرفتاری چاه»
(همان: ۱۱).

یا سید کاظمی در شهر آشوب خود، قاضیان شهر هرات را نکوهش می‌کند:

«شکر خدا که قاضی شهر هری نیم در سلک آدمی صفتانم، خری نیم»
(نوابی، ۱۳۶۳: ۲۱۱).

رفتارها و خشونت‌های اجتماعی قضات تا جایی رسیده بود که امیر علیشیر نوابی هم آنان را به بوته نقد می‌کشید:

«گهی قاضی شهری، گهی شحنه قهری گهی چشمه زهری، گهی موجی و دریا»
(همان، ۱۳۷۵: ۳۱).

همچنین، بعضی از شغل‌ها در دوره تیموری را می‌توان از مؤلفه‌های تاریخ اجتماعی شیعه قلمداد کرد. از جمله این شغل‌ها، می‌توان به پارچه‌بافی، کاشیکاری و معرق‌کاری اشاره نمود؛ زیرا این مشاغل علاوه بر اینکه شغل محسوب می‌شدند، به گونه‌ای ابزار تبلیغی تشیع به شمار می‌رفتند. با بررسی شهر آشوب، می‌توان از اوضاع هنر و چگونگی برخورد حاکمان با آن هم اطلاعات مفیدی کسب نمود؛ چنان‌که خواندمیر از وضعیت هنر و نحوه برخورد حاکمان با اهل هنر گلایه می‌کند:

«تا چند ستم کشند ارباب هنر تا کی ز جفای دهر یابند ضرر»
(خواندمیر، بی تا، ج: ۵۰۸).

اما با وجود این، در مقام بهزاد، خطاب به نقاشان و مصوران می‌گوید:

«ای نقش رخ تو ثبت بر لوح ضمیر از کلک محبت تو دل نقش پذیر
در هجر تو بر صفحه خاطر از شوق پیوسته کنم خیال وصلت تحریر»
(خواندمیر، بی تا، ج: ۱۵۸).

۳-۴. شناخت مشاغل و طبقات اجتماعی

مطالعه شهر آشوب‌ها اطلاعات مفیدی درباره دیوان سالاری، هنرمندان، پیشه‌وران، جایگاه اجتماعی اقشار و طبقات به دست می‌دهد. البته به نظر می‌رسد اصناف و حرفه‌ها در عصر تیموری تشکلی و سازمانی بوده‌اند. اقداماتی که تیمور درباره انتقال و اسکان پیشه‌وران به شهرهای سمرقند و هرات انجام داد، نقش مهمی در سازماندهی اصناف شهری به شمار می‌رود. یکی از منابعی که مهم‌ترین اطلاعات را در باب اصناف دوره تیموری به دست می‌دهد، بی‌شک شهر آشوب‌ها هستند. با مطالعه شهر آشوب‌ها می‌توان اطلاعات بسیار مفیدی درباره اصناف به دست آورد؛ از جمله:

الف) تعداد اصناف و پیشه‌وران یک دوره.

ب) نوع وسایل و ابزاری که در آن زمان اصناف به کار می‌گرفتند.

ج) پرداختن به صاحبان مشاغل و حال آنان و نیز صنوف و حرفه‌های آنان.

یکی از گروه‌ها و اقشاری که در شهر آشوب‌ها به آن پرداخته شده، اهل بازار و محترفه است. درباره تعداد مشاغل شهرهای عصر تیموری، به ویژه هرات می‌توان به صنایع‌البدایع سیفی بخاری مراجعه نمود؛ زیرا در آن می‌توان بیش از یکصد حرفه و صنعت شهر هرات را شناخت. سیفی بخاری در شهر آشوب خود برای هر صنعتگر و پیشه‌وری یک غزل سروده است. از جمله مشاغلی که سیفی در شهر آشوب خود به آن اشاره دارد، درودگر، عطار، سالوفروش، جامه‌باف، آهنگر، خواننده، میرآخور، نقاره‌چی، قناد، خطاط، کاشی تراش، شماع، سلاخ، کشتی‌گیر و... می‌باشد. خواندمیر در نامه نامی هم به مشاغل گوناگونی اشاره می‌کند. همزمان با خواندمیر، لسانی شیرازی در کتاب مجمع‌الاصناف بیش از ۹۰ حرفه و صنعت را بررسی کرده است.

گاهی اصطلاحات به کار رفته در شهر آشوب‌ها متضمن تحول مشاغل و اشیای مرتبط با یک شغل است؛ به عنوان نمونه، در شهر آشوب سیفی بخاری، «فوطه» معادل «دستار» است که بر سر می‌بستند، در حالی که در شهر آشوب لسانی، فوطه معادل «لنگ» است:

«فوطه فروش بست میان تا به کین ما در مهر بسته‌ایم میان را چهار جا
در فوطه‌ها نظر کنم و بگذرم ازو تا مشتری گمان برد و گویدم بیا»
(سیفی بخاری، بی‌تا، ب: ۷).

این در حالی است که در شهر آشوب لسانی فوطه‌دار در حمام کار می‌کند و به مشتریان حمام فوطه می‌دهد که پس از استفاده مشتریان، آن را می‌شوید و در آفتاب خشک می‌کند. همچنین، او به دست مشتریان طاس می‌دهد و پس از حمام کردن، روی پاهای مشتریان آب می‌ریزد (ر.ک؛ نصرتی سیاهمزگی، ۱۳۹۴: ۴۰۴).

همچنین، برخی از حرفه‌ها به مرور از بین می‌روند؛ به عنوان مثال، سیفی از «دهقان» نام می‌برد، اما بعد از او این قشر به فراموشی سپرده می‌شود:

«دلبر دهقان که عشقِ اوست کار و بار من
تخم مهرش کاشتم در دل، از آن شد یار من
(سیفی بخاری، بی‌تا، ب: ۶۰).

برخی از مشاغل هم دیگر به صورت گذشته آن وجود نداشته‌است؛ مانند تیرگری و سقایی. به عنوان نمونه، سیفی بخاری در شهر آشوبش به تیرگر اشاره دارد (ر.ک؛ همان: ۵۶).

در ایران، نقش گویی، نقالی، معرکه‌گیری و شاهنامه‌خوانی کاری پر درآمد و وسیله خوبی برای تفریح و وقت‌گذرانی طبقات متوسط و محروم اجتماع ایران بود (ر.ک؛ راوندی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۵۳۵) که به این مسئله در شهر آشوب‌ها پرداخته شده‌است. با بررسی شهر آشوب‌ها می‌توان مهم‌ترین مشاغل دوره تیموری را به چند دسته زیر تقسیم کرد:

الف. مشاغل تولیدی و صنعتی

توجه حکومت تیموری به شهرهایی همچون هرات و سمرقند باعث شده بود تا این شهرها به مراکز مهمی از نظر صنعت و بازرگانی تبدیل شوند.

۱. خیاطی و بافندگی

خیاط یا درزی به معنی دوزنده و جامه‌دوز می‌باشد. در این دوره، شغل خیاطی و جامه‌بافی اهمیت خاصی دارد. اهمیت این حرفه از آنجا معلوم می‌شود که صاحبان این شغل از جمله کسانی بودند که تیمور ایشان را در حملات خود پناه داد و با خود به سمرقند آورد (ر.ک؛ ابن عربشاه، ۲۰۰۸م.ج: ۱۵۶). سیفی بخاری درباره اهمیت این حرفه می‌نویسد:

«دلبر درزی که شد دیوانه رویش پری دوختند از بهر او گویا قبای دلبری
بهر او گیرم که سازد سوزن زر آفتاب رشته او کی تواند تافت ماه خاوری»
(سیفی بخاری، بی تا، ب: ۱۳).

۲. رنگرزی

یکی دیگر از مشاغل تولیدی و صنعتی در این عصر، رنگرزی است. سیفی می‌گوید که رنگرز در کار خود مهارت خاصی دارد و هنگامی که لباس‌ها را رنگ می‌کند، انگار که لباس‌ها را تازه خریده است. همچنین، اشاره دارد که رنگرز از رنگ‌های متنوع و شادی استفاده می‌کرد (ر.ک؛ همان: ۲۹).

۳. سفال‌سازی، کاشی‌کاری و گیوه‌دوزی

تارک شیرازی در شهر آشوب خود گیوه‌دوز و نحوه کار او را بسیار زیبا توصیف می‌کند:

«خوب است تاج‌دوز به خوبی یگانه است شمعی است برفروخته، تاجش زبانه است
در هر زمان که شعله زند نور عارضش پروانه فروغ وی و اهل زمانه است»
(شیرازی، ۱۳۹۴: ۶۲).

از مهم‌ترین اصناف و حرفه‌های دیگری که در شاخه مشاغل تولیدی و صنعتی محسوب می‌شوند و در شهر آشوب‌ها به آن پرداخته شده است، می‌توان به معماری، گچ‌کاری، پارچه‌بافی، ابریشم‌بافی، کفاشی، نجاری، هنر چوب و... اشاره نمود.

ب. مشاغل تجاری

از دیرباز شالوده اقتصاد یک جامعه با بازارها تعیین می‌شد که به عنوان ستون نظام اجتماعی محسوب می‌شدند. در بازارها، حرفه‌ها و پیشه‌های گوناگونی وجود داشت که با بررسی شهر آشوب‌های این دوره، می‌توان از مهم‌ترین شغل‌های تجاری زیر اشاره کرد:

۱. عطاری

یکی از مشاغل مهم تجاری در عصر تیموری شغل عطاری می‌باشد. خواندمیر در وصف عطار می‌نویسد:

«ای گشته هوای کوی تو عطر فشان / از نکهت خلق تو معطر دل و جان
در آتش هجر تو دلم سوخت چو عود / گردید گلاب اشک از دیده روان»
(گلچین معانی، ۱۳۸۰: ۳۲).

۲. بقالی

شغل دیگری که در زیرمجموعه مشاغل تجاری باید به آن اشاره کرد، بقالی است. ابواسحاق شیرازی اشاره می‌کند که در مغازه بقال، محصولات مثل خرما، ارده و کنجد، به ویژه در فصل تابستان به‌فور دیده می‌شود:

«فصل تاسع، قدمی نه به دکان بقال / کام خود از رطب و ارده کنجد بردار»
(شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۶).

ترازو در کف بقال و من در صورتش حیران

بیا ای مشتری بنگر قمر در خانه میزان»
(سیفی بخاری، بی تا، ب: ۱۵).

ج. مشاغل خدماتی

در این دوره، شغل‌هایی هم بودند که جنبه خدماتی داشتند و حکومت نظارت زیادی بر آنان داشت که از مهم‌ترین اصناف خدماتی، می‌توان به نانوايي، قصابی، آشپزی و صرافى اشاره نمود. شاید مهم‌ترین و بهترین منبع در باب طبخى دوره تیموری، کلیات ابواسحاق اطعمه باشد که خود شهر آشوبی در ادبیات فارسی است. او در نیمه دوم سده هشتم هجری

قمری در شیراز متولد شد. چون به شغل پنبه‌زنی مشغول بود، به حلاج معروف شد. شیخ ابواسحاق اشعار خود را در احوال انواع اغذیه و خوراکی‌ها سروده‌است و به همین سبب او را «اطعمه» لقب داده‌اند:

«از شوق آب رکنی و ذوق برنج زرد همچون قلندران به مصلی نشستام
یا رفته‌ام به سعدی و در آستان شیخ با نان گرم و خرما نشستام»
(شیرازی، ۱۳۸۲: ۷۷).

از محتوای اسناد و نسخه‌های خطی دوره تیموری چنین برمی‌آید که برخی از این حرفه‌ها و مشاغل یک رئیس داشتند؛ به عنوان نمونه، استاد شمس‌الدین محمد به ریاست نقاره‌چیان، غسالان، فسادان، غربال‌سازان، حمامیان، سرتراشان و دلاکان منصوب شده بود (ر.ک؛ کیوان، ۱۳۹۲: ۹۶).

د. مشاغل دولتی

۱. نهاد حسبه و محتسب‌گری

نهاد حسبه از مهم‌ترین نهادهای دینی در سطح جامعه بود که از همان آغاز حکومت اسلام در مدینه مورد توجه پیامبر (ص) قرار گرفت و آن حضرت برای بررسی اوضاع بازار، افرادی را بر این کار گماشت و بعدها خلفای راشدین، به‌ویژه شخص امام علی (ع) به کنترل بازار و قیمت‌ها نظارت داشتند. در واقع، محتسب از سوی امام، خلیفه یا نایب وی برای نظارت در احوال رعیت و بازبینی کارها و مصالح آنان تعیین می‌شد (ر.ک؛ ابن‌اخوه قرشی، ۱۳۶۰: ۹). از شروط محتسب این بود که از اموال مردم چشم برگیرد و از کسبه و پیشه‌وران هدیه و رشوه قبول نکند؛ به عبارت دیگر، محتسب وظیفه مراقبت در صحت کار پیشه‌وران و اصناف شهرها و حسن رفتار اجتماعی مردم آنجا را بر وفق حکم شرع بر عهده داشت (ر.ک؛ رجب‌زاده، ۲۵۳۵: ۲۴۴).

یکی از دیوان‌هایی که در این دوره بر بازار و معاملات تجاری آن نظارت داشت، دیوان حسبه بود. خواندمیر در نامه نامی درباره اهمیت این شغل می‌نویسد:

«ای گشته به کار دین امین همه کس دین داری تو گشته یقین همه کس»
(خواندمیر، بی تا، ب: ۹۹).

مقام محاسب در عصر تیموری وظایف و اختیارات خاصی داشت که برای آگاهی از فرمان‌های حکام تیموری به منظور انتصاب محاسب می‌توان به کتاب شرف‌نامه‌خواجه عبدالله مروارید مراجعه نمود (ر.ک؛ بیانی کرمانی، بی‌تا: ۳).

۲. نقابت

از مشاغل دولتی دربار تیموری، نقابت است که افرادی از سادات به منظور حفظ حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خویش به این منصب گماشته می‌شدند. نیاوردی در *احکام‌السلطانیه* بر این عقیده بود که منصب «نقابت» برای صیانت از حقوق سادات شکل گرفته است (ر.ک؛ نیاوردی، ۱۹۹۶م: ۱۲۱). خواندمیر در این زمینه می‌نویسد:

«ای مرجع سادات جهان در کامت وی واقف اسرار دل آگاهت»
(خواندمیر، بی‌تا، ب: ۹۸).

از گفته‌های خواندمیر روشن می‌شود که یکی از وظایف نقیب، بررسی اعتبار شجره‌نامه سادات بوده است؛ چنان که فرمانی که از سلطان حسین بایقرا برای انتصاب عبدالله مروارید کرمانی به عنوان نقیب هرات وجود دارد، خود گواه درستی این مطلب می‌باشد. به نظر می‌رسد که میان وظیفه مذهبی و دینی نقیب از یک سو و وظیفه صنفی او از سوی دیگر پیوندی بوده است، به گونه‌ای که برخی منابع، نقیب را سرپرست استادان حرفه‌ها می‌دانند.

در کنار این حرفه‌هایی که به آن‌ها پرداختیم، حرفه‌ها و صنعت‌های دیگری هم در شهر آشوب‌ها وجود دارند که از مهم‌ترین این شغل‌ها می‌توان به اسلحه‌سازان، چیت‌سازان، قنادی، حلوائی، کله‌پزی، کبابی، قهوه‌چی، حمامی و رمالی اشاره نمود.

هـ. شغل‌های مربوط به کتابت

در برخی از ادوار، به‌ویژه سده هشتم هجری به بعد، کاتبان به عنوان صنفی از اصناف پیشه‌ور شناخته می‌شدند. شاید به همین سبب است که در شهر آشوب‌های قرن نهم و بعد از آن، به صنف کاتب توجه خاصی شده است (ر.ک؛ مایل هروی، ۱۳۷۲: ۷۳۳)؛ به عنوان مثال، لسانی شیرازی می‌نویسد:

«موی مه کاتب که بُتی عشوهِده است چون خط معقلی گره بر گره است»

چندان که ز یاقوت به است آن لب لعل خط لب او ز خط یاقوت به است»
(لسانی شیرازی، بی تا: ۱۸).

۱. صحافی

صحافی که شامل چندین صنف از جمله مطلقاً کاری، مجلّدی، باسهمه چّی، خاتم کاری، طلاکوبی و کاغذسازی بود، همراه هنر خوشنویسی، تذهیب و جلدسازی در عصر تیموری بسیار رونق یافت. از این رو، در شهر آشوب‌های این دوران، آگاهی‌های زیادی درباره‌ی این حرفه‌ها به دست می‌آید. در این دوره، صحاف علاوه بر تسلط بر فنّ تجلید، از دیگر هنرهای این عصر، مانند ابری‌سازی، مقواسازی، تذهیب و خوشنویسی آگاه بود. صحافی در عصر تیموری به عنوان یک صنف از پیشه‌وران بازار شناخته می‌شد. حتی برخی از صحافان در کتابخانه‌های دولتی به صحافی و جلدسازی هم اشتغال داشتند (ر.ک؛ مایل هروی، ۱۳۷۲: ۶۹۱). خواندمیر در نامه‌ی نامی درباره‌ی منزلت و جایگاه صحافی می‌نویسد:

«لفظ ششم از سطر سوم در تحریر صحف که به صحافان و مجلدان از آن حیثیت که به صحف آسمانی و کتب اشراف افراد انسانی متعلق است، اشرف حرف و صنایع است و امتیاز ایشان از سایر پیشه‌وران دوران... در سطر اتفاق افتاد و هو الهادی إلی سبیل الرّشاد» (خواندمیر، بی تا، الف: ۱۰۹).

به نظر می‌رسد کار صحافی در قرن نهم به دو صورت انجام می‌گرفت. اول اینکه صحافان در کتابخانه‌ها به هنر صحافی مشغول بودند و دوم اینکه حرفه‌ی صحافی مانند دیگر پیشه‌ها در بازار و به صورت دکان کار خود را انجام می‌داد که می‌توان به بازار صحافان شهر یزد اشاره نمود (ر.ک؛ جعفری، ۱۳۳۸: ۱۹۶).

۲. تجلید و تذهیب

هنر تجلید و تذهیب از دیگر مشاغل مهم ایران در قرن نهم هجری به‌شمار می‌رود. به دلیل توجه دولت تیموری به هنر، هنر صحافی و تجلید از نظر تکنیکی و استفاده از نقوش تزئینی به اوج شکوفایی خود رسید. مجلدان نیز که محور اصلی کارشان بر تجلید کتاب بود، در قرن نهم هجری به عنوان صنفی از اصناف پیشه‌وران شناخته می‌شدند. به همین

دلیل است که در شهر آشوب‌های این قرن از آنان مانند دیگر اصناف یاد شده‌است. سیفی بخارایی در وصف مجلدان هرات می‌نویسد:

«لاله رخسار مجلد چون قلم ز آتش کشید می‌نهد بر سینه داغم تا چه نقش آرد پدید
قطعه قطعه گر کنی اجزای سیفی را به تیغ کی تواند از تو ای نامهربان قطعاً برید»
(سیفی بخاری، بی تا، ب: ۳۴).

این شعر اشاره دارد که جلدسازان با نقاشان همکاری تنگاتنگی داشتند و شیوه‌های جدیدی در هنر جلدسازی دوره تیموری آفریدند که یکی از مهم‌ترین خصوصیات هنر جلدسازی، استفاده از سرطبل در جلد است و علت اینکه از این سرطبل‌ها استفاده می‌شد، این بود که اوراق کمتر آسیب ببیند (ر.ک؛ سیفی بخاری، بی تا، ب: ۳۸). در واقع، هنر کتاب‌آرایی در این دوره با به کارگیری جلدهای سوخت و زرکوب مراحل تکامل را طی کرد و آثار گرانبهایی بر جا گذاشت. زرکوب کسی است که ورق طلا و نقره را به سبب تذهیب و تزیین نسخه یا جلد و یا قطعات مرقعه به کار بندد (ر.ک؛ مایل هروی، ۱۳۷۲: ۶۶۹).

«زرکوب من آن که داد بیداد دهد در ضعف چو ترک هستیم داد دهد
همچون ورق طلا به تحریک نفس در هم شکند مرا و بر باد دهد»
(لسانی شیرازی، بی تا: ۵۳).

۳. خطاطی

از دیگر مشاغل پراهمیت در دوره تیموری، خوشنویسی و خطاطی است که جایگاه والایی داشت. این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که خوشنویسان با نگارش اخبار، شرح وقایع را در زمان اندکی به سایر نقاط می‌فرستادند و حتی برخی از آنان در جنگ‌ها هم شرکت داشتند و حوادث و وقایع جنگ‌ها را ثبت می‌کردند؛ چنان‌که در *ظفرنامه* یزدی آمده‌است:

«بپرداخت منشی صاحب‌هنر بسی نامه در باب فتح و ظفر
رقم زد بسی داستان شریف به خطی لطیف و ادای ظریف»
(یزدی، ۱۳۸۷: ۵۹۱).

بی شک به دلیل اهمیت فزاینده خطاطی در عهد تیموری، این حرفه چنان در میان دربار رونق و اعتبار یافت که برخی از استادان خطاط به جایگاه‌های بزرگ مذهبی مانند صدارت دست پیدا می‌کردند (ر.ک؛ نظامی باخرزی، ۱۳۵۷: ۳۱۷) و شاید به همین سبب است که سیفی بخاری درباره خطاط می‌نویسد:

«خطاط من که عشوه بسیار می‌کند گویی همیشه مشق همین کار می‌کند
حرف جفا و جور که گوید معلمش صد بار می‌نویسد و تکرار می‌کند»
(سیفی بخاری، بی‌تا، ب: ۲۹).

۵. دستیابی به اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی و دیوانی

از دیگر کاربردهای مهم شهر آشوب‌ها در حوزه تاریخ‌نگاری، دستیابی به اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی و دیوانی است که می‌توان از خلال مطالعه آنان به اطلاعات اقتصادی و اجتماعی فراوانی دست یافت؛ به عنوان مثال، تارک شیرازی در شهر آشوب خود درباره کم شدن آب رکن آباد اشاراتی دارد:

«تارک سخن تر روانست خشک است به نزدش آب رکنی»
(شیرازی، ۱۳۹۴: ۳۷).

همچنین، لسانی شیرازی از خرد و دانش مردم تبریز یاد می‌کند:

«تبریز که گشت ساحتش مغتم است بستان بهشت بی وجودت عدمست
تعریف سوادش ز خرد پرسیدم فرمود که خال رخ باغ ارمست»
(لسانی شیرازی، بی‌تا: ۱۶).

یکی از نکات برجسته در شهر آشوب‌ها، اطلاعات دیوانی آنهاست و از مهم‌ترین شهر آشوب‌هایی که می‌توان با مطالعه آن به اطلاعات دیوانی آن دوره دست یافت، نامه نامی خواندمیر می‌باشد. از آنجا که خود خواندمیر از منشیان درباری بود، با دیوان‌سالاری کاملاً آشنا بود و این اطلاعات او بسیار می‌تواند کمک شایانی برای درک مناصب این عصر به ما نماید. یکی از مناصب‌هایی که وی اشاره دارد، جایگاه منصب صدارت در عهد تیموری است. خواندمیر اشاره می‌کند که در امور دینی و مسائل حقوقی همه باید زیر نظر صدر عمل می‌کردند (ر.ک؛ خواندمیر، بی‌تا، الف: ۱۳۰-آ: ۱۳۱-ب).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش بیان شد که شهر آشوب‌ها ایفاگر نوعی بیان، محیط اجتماعی، اصناف و حرفه‌ها و در بعضی موارد، شهرها و افراد هستند که می‌تواند اطلاعات ناب و بکری از اوضاع اجتماعی و تاریخی شهرها، اصناف و طبقات یک دوره تاریخی در اختیار ما قرار دهد. به همین سبب، این مقاله کوشید تا جایگاه تاریخ محلی منظوم را با تأکید بر شهر آشوب‌ها بررسی نماید و نشان دهد شهر آشوب‌ها به عنوان یکی از اشکال تاریخ‌نگاری محلی می‌تواند خلأها و کاستی‌هایی را پر نماید که در کتاب‌ها و منابع تاریخی وجود دارد؛ زیرا با بررسی این شهر آشوب‌ها به این نتیجه رسیدیم که برخی از مشاغل یا طبقات اجتماعی از بین رفته‌اند و یا حرفه‌های جدیدی بروز و ظهور نموده‌اند. بنابراین، می‌توان از شهر آشوب‌ها به عنوان گنجینه‌ای یاد کرد که در آن علاوه بر تاریخ اجتماعی، می‌توان به جامعه‌شناسی شهری، روان‌شناسی اجتماعی و دیگر خصوصیات یک دوره تاریخی پی برد. چنان‌که با مطالعه در شهر آشوب‌های عصر تیموری به اطلاعاتی درباره اقدار و صاحبان صنایع دست یافتیم که شاید در هیچ یک از کتاب‌های تاریخی مشاهده نشود. این شهر آشوب‌ها علاوه بر فواید ادبی و شعری ضمن بیان محترفه و پیشه‌وران دوره تیموری، پاره‌ای از اصطلاحات و لغاتی را ذکر می‌کنند که بسیار مفید و جامع می‌باشد. همچنین، اطلاعات بسیار مفیدی در باب دیوان‌سالاری دوره تیموری ارائه می‌دهند که نسبت به اطلاعات کتاب‌های دیگر در این زمینه کم‌نظیر است. از این رو، این تحقیق نشان داد که میان ادبیات از جمله شهر آشوب‌ها و اوضاع اجتماعی ارتباطی عمیق است.

منابع

- افشار، ایرج. (۱۳۸۱). «صحافی و مجلدگری». *نامه بهارستان*. س ۳. ش ۲. د ۶. صص ۲۲۹-۳۹۶.
- ابن‌اخوه قرشی، محمدبن احمد. (۱۳۶۰). *آیین شهرداری*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن عربشاه، احمدبن محمد. (۲۰۰۸ م.). *عجائب‌المقدور فی نوائب تیمور*. تصحیح سهیل زکار. دمشق: نشر التکوین.
- احمد، سید انوار. (۱۳۸۳). «نگاهی به احوال و آثار کمال‌الدین بنایی هروی». *قند پارسی*. ش ۲۵-۲۶. صص ۹-۲۴.

احمدزاده، محمدا میر. (۱۳۹۳). «مبانی تاریخ‌نگری در اندیشه مورخان شیرازی از سقوط دولت ایلخانی تا پایان تیموریان». *جستارهای تاریخی*. س ۵. ش ۱. صص ۱۷-۴۲. اللهیاری، فریدون، مرتضی نورائی و علی رسولی. (۱۳۸۸). «طریقت و تجارت؛ کارکردهای تجاری نقشبندیه در دوره تیموری». *تاریخ اسلام و ایران*. ش ۴. پیاپی ۸۱. صص ۱-۴۰.

بوآزل. (۱۳۴۳). «تمدن تیموریان». *فصلنامه دانشکده ادبیات تبریز*. ترجمه باقر امیرخانی. س ۱۶. ش ۱. صص ۶۵-۸۰. بیانی کرمانی، عبدالله. (بی تا). *شرف‌نامه*. نسخه ۵۰۷۰۷. نسخه خطی. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.

توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۸). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت. جاجرمی، محمد. (۱۳۵۰). *مونس الأحرار فی دقائق الأشعار*. مقدمه محمد قزوینی. به‌اهتمام میر صالح طیبی. تهران: انجمن آثار ملی. جعفری، جعفرین محمد. (۱۳۳۸). *تاریخ جدید یزد*. به کوشش ایرج افشار. تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.

خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر*. ۴ ج. تهران: خیام. _____ . (بی تا). الف. *نامه نامی*. نسخه ۳۷۸۸. نسخه خطی و نسخه دستنویس. تهران: کتابخانه و موزه ملی ملک.

_____ . (بی تا). ب. *نامه نامی*. نسخه ۷۰۷۵. نسخه خطی. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران. راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: نگاه. رجب‌زاده، هاشم. (۲۵۳۵). *آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی*. تهران: توس.

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). *انواع شعر فارسی*. شیراز: نوید شیراز. ریترز، جورج. (۱۳۸۶). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.

سعد سلمان، مسعود. (۱۳۶۴). *دیوان*. به تصحیح و اهتمام مهدی نوریان. اصفهان: کمال. سمرقندی، دولت‌شاه. (۱۳۸۲). *تذکره الشعراء*. به تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.

سیفی بخاری، محمدشفیع. (بی تا). *صنایع البدایع*. نسخه ۶۲۳. نسخه خطی. مشهد: کتابخانه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی.

_____ . (بی تا). *صنایع البدایع*. نسخه ۴۰۸۵. نسخه خطی / میکروفیلم. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی شهری*. تهران: سمت.

شیرازی، تارک. (۱۳۹۴). *دیوان تارک شیرازی*. به کوشش عصمت رنجبر و یوسف بیگ باباپور. تهران: منشور سمیر.

شیرازی، جمال‌الدین ابواسحق. (۱۳۸۲). *کلیات*. تصحیح منصور رستگار فسایی. تهران: میراث مکتوب.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: فردوس.

صفوی، سام میرزا. (۱۳۸۴). *تذکره تحفه سامی*. تصحیح و مقدمه رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: اساطیر.

فاضلی، فیروز و لاله جهاد. (۱۳۸۸). «شش شهر آشوب بازیافته از قرن دهم». *نامه پارسی*. ش ۳۸ و ۳۹. صص ۱۱۴-۱۲۶.

فراهانی منفرد، مهدی. (۱۳۸۱). *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کیوان، مهدی. (۱۳۹۲). *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی (جستارهایی در تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران)*. ترجمه یزدان فرخی. تهران: امیرکبیر.

گلچین معانی، احمد. (۱۳۸۰). *شهر آشوب در شعر فارسی*. به کوشش پرویز گلچین معانی. تهران: نشر روایت.

لسانی شیرازی، وجیه‌الدین مسعود. (۱۳۴۵). *شهر آشوب*. به اهتمام سید علیرضا مجتهدزاده. مشهد: چاپخانه دانشگاه مشهد.

_____ . (بی تا). *مجمع الأصناف*. نسخه ۶۴۱. نسخه خطی. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.

مایل هروی، نجیب. (۱۳۷۲). *کتاب آرایه در تمدن اسلامی*. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

محجوب، محمدجعفر. (۱۳۸۲). *ادبیات عامیانه ایران*. ج ۲. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.

میبدی، حسین بن معین الدین. (۱۳۷۶). *منشآت میبدی*. تصحیح نصرت‌الله فروهر. تهران: میراث مکتوب.

نصرتی سیاهمزی، علی. (۱۳۸۶). «شهر آشوب». *نامه فرهنگستان، ادبیات و زبان‌ها*. ش ۳۳. صص ۲۸-۳۳.

_____ (۱۳۹۴). «تأملی در مجمع‌الأصناف». *بهار ادب*. س ۸، ش ۳. پیاپی ۲۹. صص ۳۹۵-۴۰۵.

نظامی باخرزی، نظام‌الدین عبدالواسع. (۱۳۵۷). *منشأ الانشاء*. به کوشش رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: دانشگاه ملی ایران.

نیوردی، ابوالحسن. (۱۹۹۶ ق.). *احکام السلطانیة و الولایات الدینیة*. بیروت: دارالفکر.
 نوایی، امیرعلیشیر. (۱۳۷۵). *دیوان کامل*. به اهتمام رکن‌الدین همایون‌فرخ. تهران: اساطیر.
 _____ (۱۳۶۳). *مجالس النفائس*. به کوشش علی‌اصغر حکمت. تهران: منوچهری.

واصفی، محمودبن عبدالجلیل. (۱۳۴۹). *بدایع الوقایع*. تصحیح الکساندر بلدروف. تهران: بی‌نا.

یزدی، شرف‌الدین علی. (۱۳۸۷). *ظفرنامه*. به تصحیح سید سعید میرمحمدصادق و عبدالحسین نوایی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.